

چرا رستاخیز فیلم خوبی نیست؟

۲۱ تیر ۱۳۹۴ ساعت ۱۷:۵۵

استفاده از بازیگران طنزپرداز در این فیلم آنچنان غیر منطقی نمی نمایاند که بازی پوریا پورسرخ در نقش فرزند «عمر بن سعد» مضحک جلوه می کند. پور سرخ در این فیلم آنقدر مضحک ظاهر می شود و سعی دارد تن صدای خود را همچون یک فرد قلدور بم سازد که گویی در حالت طنز ادای چنین فردی را در می آورد

فیلم رستاخیز این روزها در کانون انتقاد بیشماری از منتقدین و همچنین علما و مراجع قرار گرفته است. وجه اشتراک این انتقادات نیز نمایش چهره حضرت عباس (ع) در این فیلم پرهزینه است. این فیلم روایتی است از داستان زندگی «بکیر بن حر ریاحی»، فرزند «حر بن یزید ریاحی». روایت داستان با بکیر آغاز می شود و تا واقعه عاشورا به طول می انجامد. از این نظر داستان فیلم دارای زائده های زیادی است. خوابی که فرزند رشید حر می بیند چندین بار در طول داستان به نمایش در می آید اما تعبیر آن در داستان به دلیل وسعت آن ناقص می ماند. گرچه بکیر در گیاره دار این خواب در عالم واقع به نتایجی دست می یابد اما روایت داستان در بخشی از دست نویسنده خارج می شود و به سمت روایت کلی واقعه عاشورا معطوف می شود.

اینجاست که فیلم روز رستاخیز با خلاء بزرگی روبرو می شود. از یک سو داستان بکیر نیمه کاره رها می شود و از سوی دیگر کارگردان سعی دارد واقعه عظیم عاشورا را در فیلم روایت کند. روایتی که به صورت گذراست اما تلاش دارد تمامی وقایع ظهر عاشورا را در خود بگنجاند. همینجاست که این فیلم ناکام می ماند. چراکه نه فرزند کبیر حر شخصیتی است که بتوان از طریق آن به درستی وارد واقعه عاشورا شد و به طور مستقل در این زمینه شرح حالی را روایت کرد و نه می توان با بکیر به وقایع بعدی عاشورا که شامل شهادت حضرت عباس (ع) و اباعبدالله الحسین (ع) وارد شد. چراکه بر اساس اسناد تاریخی شهادت وی پیشتر حادث می شود. اینجاست که روایت تاریخی داستان نیز دارای اشتباهاتی می شود که ذهن مخاطب را درگیر خود می کند و اگر به صورت هنری هم به این موضوع نگاه کنیم نمی توانیم بر هم خوردن توالی داستان را هضم کنیم. شخصیت بکیر نیز در انتهای داستان رها می شود و این موضوع به روایت داستان ضربه شدیدی وارد می کند. از روایت در هم ریخته داستان که بگذریم شاهد زوائد بسیاری در فیلمنامه رستاخیز هستیم که نشان می دهد، فیلمنامه به درستی پرداخت نشده است. داستان عشق بکیر به خواهر یکی از سفرای امام حسین (ع) نیز از این حیث قابل توجه است که به درستی در داستان به آن پرداخته نمی شود.

از سوی دیگر باید به انتخاب بازیگران و شخصیت پردازی فیلم رستاخیز پرداخت. یکی از ضعف های عمده این اثر درویش نوع بازی بازیگرانش است. انتظار می رود در فیلم پرهزینه ای مانند رستاخیز از بازیگرانی استفاده شود که مناسب نقش ها و شخصیت های روز عاشورا هستند. البته استفاده از بازیگران طنزپرداز در این فیلم آنچنان غیر منطقی نمی نمایاند که بازی پوریا پورسرخ در نقش

فرزند «عمر بن سعد» مضحک جلوه می کند. پور سرخ در این فیلم آنقدر مضحک ظاهر می شود و سعی دارد تن صدای خود را همچون یک فرد قلدور بم سازد که گویی در حالت طنز ادای چنین فردی را در می آورد.

از نکات قابل توجه دیگر بازی «بابک حمیدیان» در دو نقش مهم واقع عاشورا یعنی یزید و ابن زیاد در فیلم رستاخیز است. اینکه چه منطقی پشت این مساله بوده است و احمدرضا درویش چطور به این نتیجه رسیده است که از یک بازیگر در دو نقش مهم تاریخی استفاده کند، مشخص نیست و مخاطب نیز با این گرهِ کور که در اوائل داستان وی را در شناخت شخصیت ها به اشتباه می اندازد، تا انتهای فیلم مواجه است و با همین سردرگمی نیز سالن سینما را ترک می گوید؟!

البته شخصیت پردازی فیلم رستاخیز نیز چندان در شأن واقع عاشورا نیست. نشان دادن تصویر حضرت ابا الفضل العباس(ع) در این فیلم مورد انتقاد بسیاری از منتقدین و مراجع تقلید قرار گرفته است. شخصیت حضرت عباس (ع) در این فیلم چنان تک بعدی است که نمی تواند انتظار مخاطب را در خصوص شخصیت این بزرگوار برآورده سازد. ما در فیلم رستاخیز بیشتر شاهد خشم عباس(ع) هستیم تا دیگر حالات و فضائل اخلاقی این بزرگوار و با توجه به شخصیت پردازی ضعیف داستان، ابعاد دیگر شخصیت ایشان در داستان پنهان می ماند. از این روست که باید با علما و مراجع در زمینه عدم نمایش چهره این شخصیت بزرگ عاشورا هم عقیده بود. سینما رسانه ای است که به دلیل زمینه دیداری قابلیت آن را دارد که کلیت یک فضا یا شخص را نمایان سازد و مخاطب نیز با این مساله کمتر برخوردی انتزاعی دارد و غالباً آن شخصیت و فضا را همانطوری که در سینما و فیلم ارائه می شود، می پذیرد. از این رو چنین شخصیت پردازی های تک بعدی و ضعیفی می تواند ضربه بزرگی به اصل واقع وارد نماید. این درحالی است که رسانه های دیگر مانند رادیو به این دلیل که به صورت شنیداری وقایع را ترسیم می کنند کمتر چنین آسیبی را به همراه دارند و با توجه به گستره ذهن انسان، اندیشه مخاطب در این زمینه محدود نیست و روایت های ضعیف کمتری می تواند به حالت قدسی چنین وقایع و شخصیت هایی ضربه وارد کند.

به هر شکل فیلم رستاخیز با چنین شخصیت پردازی ضعیفی نمی تواند روایت خوبی از واقعۀ عظیم عاشورا باشد. رستاخیز از این نظر خط قرمزهای دیگر را نیز به راحتی پشت سر می گذارد. برخورد کلیشه ای و کلی با واقعۀ عاشورا یکی دیگر از خط قرمزهایی است که رستاخیز از آن گذر کرده است. فیلمنامه سعی دارد تمامی وقایع مهم ظهر عاشورا را در خود بگنجانند و از این رو تلاشی ناکام به مثابه ریختن بحر در کوزه است.

رستاخیز توانست سیمرغ بلورین بهترین موسیقی متن جشنواره فیلم فجر را از آن خود کند. «استفان واربک» در آهنگسازی فیلم رستاخیز از سازهای کوبه ای که بیشتر نمایانگر فضای جنگ و ستیز است، استفاده کرده و از این رو ابعاد دیگر فضای داستان رستاخیز در زمینه آهنگسازی نیز تحت شعاع این موضوع قرار می گیرد. شاید واربک برای آهنگسازی فیلم درویش نگاهی هم به آهنگ فیلم «محمد رسول الله(ص)» داشته است، چراکه می توان در این زمینه شباهت هایی را احساس کرد. اما بدون شک می توان در این زمینه گفت که واربک به سبب عدم داشتن ریشه های فرهنگی و شناخت دقیق واقعۀ عاشورا نتوانسته آنطور که باید در زمینه موسیقی فیلم رستاخیز موفق عمل کند. از این نظر شاید «کارن همایونفر» حق داشته باشد که پس از گرفتن دیپلم

افتخار این بخش بگوید که ما به هرچه احتیاج داشته باشیم به آهنگساز خارجی احتیاجی نداریم، گرچه تنوع در استفاده از آهنگسازان دیگر و طنین سازهای مختلف و پرهیز از استفاده بیش از حد از سازهای الکترونیکی و شنیدن نام های دیگری جز «کارن همایونفر» به عنوان آهنگساز در تیتراژ فیلم ها نیز از عمده احتیاجات مبرم سینمای ایران در بخش موسیقی است.

به هر لحاظ رستاخیز فیلم کاملی در این عرصه نیست و البته گستره واقعه عاشورا نیز کار هر فردی که در این زمینه وارد می شود را سخت می کند اما برخورد رستاخیز نیز با مساله عاشورا آنقدر دقیق و هوشمندانه نیست که بتوان این فیلم را فیلم فاخری در این زمینه به شمار آورد و دست آخر تنها آهی از سر افسوس بر لب می ماند که چرا با وجود چنین هزینه گزافی درویش باچنین فیلمنامه ضعیفی که با کم دقتی در انتخاب بازیگر و آهنگساز و ... توامان می شود، به سراغ چنین موضوعی رفته است.

منبع: فردا- امیر حمزه نژاد

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۰۹۵۹/چرا-رستاخیز-فیلم-خوب-نیست>